

## بررسی سبک مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه پیام نور با تأکید

### بر تعالی معنوی

ولی‌اله خوش‌طینت<sup>۱</sup>

#### چکیده

با توجه به این‌که تعالی معنوی تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی است و همچنین مقابله مذهبی به عنوان روشی تعریف شده است که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل بر خداوند برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کند. بنابراین به منظور بررسی سبک مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه با تأکید بر تعالی معنوی، مطالعه‌ای در دانشگاه پیام نور مرکز اردبیل صورت گرفت و تعداد ۴۰۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه آماری به شیوه تصادفی انتخاب گردیدند. روش پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی بود. داده‌ها به صورت میدانی و با استفاده از دو پرسشنامه جمع‌آوری گردید. پرسشنامه‌ها شامل: ۱. مقیاس سنجش تعالی معنوی و ۲. مقیاس ۱۴ سؤالی مقابله مذهبی بودند. نتایج تحلیل نشان داد که: میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جزء در بین دانشجویان مذکر)، و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است، اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر (با میانگین: ۲۳/۴ و انحراف معیار: ۳/۴) در حد متوسط است.

از بین دانشجویان مورد مطالعه، ۵٪ دارای سبک مقابله‌ای منفی و ۹۵٪ دارای سبک مقابله‌ای مثبت هستند، اما متغیرهای تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های

۱. استادیار گروه الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور، ایران.

مقابله‌ای را نداشت. البته این موضوع می‌تواند ناشی از این باشد که اغلب دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای مثبت بوده‌اند و پیش‌بینی در جامعه همگن، اغلب معنی‌دار نمی‌باشد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در بین سبک‌های مقابله‌ای مثبت، تمام پیش‌بینی‌ها درست و در بین سبک‌های مقابله‌ای منفی تمام پیش‌بینی‌ها نادرست بوده است. در مجموع می‌توان با اطمینان ۹۹٪ ادعا نمود که متغیرهای هوش معنوی و تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را ندارند.

### واژگان کلیدی

تعالی معنوی، دانشجویان دانشگاه پیام نور، مقابله مذهبی، وحدت و پیوند معنوی

## مقدمه

کلمه معنویت<sup>۱</sup> برگرفته از ریشه spirit به معنی روح و جان است. مروری بر بررسی‌های اخیر در مورد معنای معنویت آشکار می‌سازد که درباره معنای این اصطلاح توافق گسترده‌ای وجود ندارد. این امر شاید به این دلیل باشد که درباره برداشتی که مردم از اصطلاح معنویت دارند، ارزیابی کمی صورت گرفته است. اصطلاح معنویت امروزه در حال رخنه کردن در همه حوزه‌های پژوهشی می‌باشد. با توجه به تفاوت در دیدگاه‌ها، ابزارهای سنجش و تفاوت در برداشت و ادراک، از معنویت، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. (کاوایان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹ م.) معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که در قلب‌ها و ذهن‌ها و در آیین‌ها، به ویژه در آیین‌های مذهبی وجود دارد. با توجه به این که معنویت، قلمرو و دغدغه نهایی و غایی است و همه انسان‌ها دغدغه نهایی دارند، پس همه انسان‌ها معنوی هستند. البته از دغدغه نهایی، برداشت‌های گوناگونی وجود دارد، ولی اغلب روانشناسان معنویت را تلاش همواره بشر برای پاسخ دادن به چارهای زندگی تعریف کرده‌اند و اصولاً حس پیوسته فرد در ارتباط با خود، جهان، دیگران و دنیای بالا است. (صمدی، ۱۳۸۵ ش.)

تعالی معنوی تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی است. به عبارت دیگر، استعداد فرد برای بیرون‌ایستادن از زمان و مکان حاضر و دیدن زندگی از یک منظرگاه بزرگ‌تر و عینی‌تر است. مقابله مذهبی روشی است که انسان‌ها از عقاید و شعائر مذهبی جهت رویارویی با مشکلات و فشارهای زندگی بهره می‌گیرند. (کونیک و همکاران، ۱۹۹۷ م.)

تعالی معنوی به انسان کمک می‌کند تا بخش‌های مجزای زندگی را به هم متصل کند و یک کل معنادار بسازد. (سیدموسوی و همکاران، ۱۳۸۷ ش.) روانشناسی

سلامت در سال‌های اخیر اهمیت زیادی برای نقش راهبردهای مقابله و سبک زندگی افراد در چگونگی سلامت روانی آن‌ها قائل شده است. شیوه‌های مقابله، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که توسط افراد در معرض استرس به منظور کنترل نیازهای خاص، درونی و بیرونی که فشارآور بوده و فراتر از منابع فردی هستند بکار گرفته می‌شوند. (هینز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶ م.) در همین راستا مقابله مذهبی<sup>۴</sup> به عنوان روشی تعریف شده است که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل بر خداوند برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کند. یافته‌های اخیر نشان داده‌اند از آنجا که این نوع مقابله‌ها هم به عنوان منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند و می‌توانند بکارگیری مقابله‌های بعدی را تسهیل نمایند، از این رو، بکارگیری آن‌ها برای بیشتر افراد مفید واقع می‌شود. (کارور<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲ م.) به طور کلی مقابله مذهبی متکی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک و یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و روحانی و نظایر آن همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی آسیب کم‌تری را متحمل شوند. به طور کلی مذهب در تمامی مراحل می‌تواند نقش مؤثری در استرس داشته باشد. به عنوان مثال، در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی خود فرد، فعالیت‌های مقابله‌ای، منابع حمایتی و جز آن که این نوع روی‌آوری می‌تواند نقش کاهش‌دهنده فشار روانی را ایفا نماید. (شعاع کاظمی، ۱۳۸۸ ش.) با توجه به این‌که در مجموع باورهای مذهبی سبب داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک نیروی

عظیم و دائمی در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و... می‌گردد به نظر می‌رسد از جمله متغیرهایی که استفاده از مقابله مذهبی را تسهیل می‌نماید، تعالی معنوی<sup>۶</sup> است.

از دیدگاه لازارس و فلکمن (۱۹۸۴ م.) مقابله عبارت است از: تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد که هنگام روبروشدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن یا به حداقل‌رساندن عوارض تنیدگی بکار گرفته می‌شود. لازارس و فلکمن<sup>۷</sup> (۱۹۸۴ م.) معتقدند که مقابله یک راهبرد منفرد بکارگرفته در تمام زمان‌ها و موقعیت‌ها نیست، بلکه افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و در برابر عوامل تنیدگی‌زای متفاوت، به گونه‌ای مجزا مقابله می‌کنند. (نوبخت فرد، ۱۳۸۸ ش.) اتکینسون<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۳ م.)؛ به ناگاس<sup>۹</sup> و همکاران، (۲۰۰۹ م.) مقابله را به عنوان روشی تعریف می‌کنند که در آن فرد با محیط اجتماعی و فیزیکی خود مواجه شده و منابع خود را در جهت مهار تنیدگی به حرکت درمی‌آورد. اسمیت<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۳ م.)؛ محمدی، (۱۳۸۶ ش.) اصطلاح مقابله را به فرآیندی اطلاق نموده‌اند که از طریق آن فرد سعی می‌کند فشارهای روانی را کنترل و مدیریت کند.

اسپیلکا<sup>۱۱</sup> و همکاران (۲۰۰۳ م.) معتقدند که، مقابله مذهبی می‌تواند سودمند واقع شود و در واقع راه میانبری باشد که از طریق آن افراد می‌توانند راهبرد جدیدی را برای حل مسائل خویش بکار گیرند، اما از سوی دیگر چنانچه فردی از رویارویی فعالانه با مشکلات، مخاطرات و حالات نامساعد اجتناب ورزد و صرفاً به انتظار آن بماند که خداوند وضعیت دشوار او را بهبود بخشد با نوعی بدکارکردی مذهب روبرو خواهیم بود.

ویقلسورس<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۴ م.) معتقد است که، معنویت نیاز ذاتی انسان برای ارتباط با چیزی فراتر از ماست. این چیز می‌تواند به عنوان دو هدف تعریف شود. این دو

هدف عبارتند از: ۱. چیزی مقدس، آسمانی، بدون زمان و مکان، یک قدرت بالاتر، منبع و در نهایت، خودآگاهی، یا هر زبان دیگری که شخص ترجیح می‌دهد به آن منبع متصل شده و مورد هدایت قرار بگیرد. ۲. در خدمت انسان‌های همتابودن و همچنین به طور گسترده در خدمت جهان‌بودن. بعضی از محققین مطالعاتی را انجام دادند تا مکان‌های را که در مغز مربوط به تجربه‌های معنوی است را مشخص سازند. برای مثال دیویدسون<sup>۱۳</sup> و همکارانش (۲۰۰۳ م، آرام<sup>۱۴</sup> و درایر<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۷ م) دریافتند کسانی که به مراقبه عمیق آموزش داده شده بودند، فعالیت کورتکس لوب پیشانی آن‌ها فعالیت بیشتری نسبت به سایر افراد داشت. بعضی از تحقیقات نشان دادند که ممکن است بخش‌های متفاوتی از سیستم عصبی مربوط به معنویت وجود داشته باشد. مثلاً سیستم لیمبیک برای تجربه‌های معنوی به ویژه تجربه‌های عرفانی از یگانگی و وحدت است. (ایمونز، ۲۰۰۰ م) مطالعاتی هم در خصوص وراثتی‌بودن توانایی‌ها و ظرفیت‌های معنوی انجام گرفته است. هامر<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۴ م) در مطالعاتی که بر روی برادران و خواهران همجنس انجام داده، مشاهده کرده که در آن‌ها، احساس تعالی خویشتن از یک سهم ژنتیکی برخوردار بوده است. البته مسلماً یافتن شواهد مبنی بر ارثی‌بودن معنویت شاید کار آسانی نباشد. همانطوری که ایمونز (۲۰۰۰ م) اشاره می‌کند به جای آن، می‌توان به رابطه بعضی از ویژگی‌های شخصیتی با معنویت که به نظر می‌رسد اساس وراثتی دارند، توجه کرد و این اساس بیولوژیکی دین و معنویت را بهتر روشن می‌کند. در فرهنگ اسلامی شیعه این مسأله که خانواده رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار از معنویت بالایی برخوردار بودند شاید دلیلی برای ارثی‌بودن معنویت باشد که روانشناسان به دنبال یافتن آن هستند، اما همچنان در این رابطه نیازمند تحقیقات و بررسی‌های بیشتر می‌باشیم.

کیم<sup>۱۷</sup> و سیدلیتز<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۲ م.) با هدف بررسی رابطه معنویت با سازگاری جسمی و هیجانی با استرس‌های روزانه که بر روی ۱۱۳ دانشجو صورت گرفت به دست آوردند که معنویت تأثیرات مضر استرس بر سازگاری را تعدیل می‌کند و راهبردهای مختلف مقابله را تنظیم می‌کند. همچنین معنویت در فرآیند مقابله نقش دوسویه دارد، به طوری که می‌تواند با شکل‌دهی به ماهیت «حوادث زندگی»، اعمال مقابله و نتایج این حوادث، به مقابله کمک کند. همچنین معنویت می‌تواند ناشی از مقابله نیز باشد که با عنصر دیگری از فرآیند مقابله ایجاد شده است. بنابراین در این پژوهش محققان در نظر دارند نقش هوش معنوی و تعالی معنوی را در سبک مقابله مذهبی بررسی نمایند.

### ضرورت انجام تحقیق

امروزه علیرغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی، فاقد توانایی‌های لازم و اساسی برای زندگی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیر نموده است و خیلی‌ها برای مقابله با چالش‌های زندگی راه نادرست پیش می‌گیرند. بنابراین انسان‌ها برای مقابله سازگارانه با استرس‌ها و کشمکش‌های زندگی به مهارت‌هایی نیاز دارند که آنان را در برخورد با این موقعیت‌ها مقاوم و تجهیز نماید. از جمله این مهارت‌ها، سبک‌های مقابله‌ای یا روش‌های کنارآمدن با چالش‌های زندگی است که از نظرگاه‌های مختلف این سبک‌ها مورد مطالعه واقع شده‌اند. از جمله از روش‌های کنارآمدن، سبک مقابله مذهبی است. این سبک نقش مؤثری در کاهش استرس‌ها و فشارهای روانی و زندگی داشته، فرد را در مواجهه با مشکلات امیدوار می‌نماید، اما از جمله از

متغیرهایی که به نظر می‌رسد فرد را به سمت مقابله مذهبی سوق می‌دهد، تعالی معنوی است. که این متغیر رشدپذیر بوده و قابل ارتقا می‌باشد. بنابراین شناسایی وضعیت تعالی معنوی در بین دانشجویان و نیز شناسایی وجود ارتباط آن با مقابله مذهبی می‌تواند توجه مسئولین امر را در زمینه ارتقای تعالی معنوی و نیز به تبع آن ارتقای مقابله مذهبی که اهمیت بالایی دارد را به این امر معطوف دارد.

هدف از این تحقیق بررسی سبک مقابله مذهبی مثبت و منفی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور با تأکید بر تعالی معنوی بود.

### روش

این پژوهش مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی است. جامعه آماری این پژوهش را تعداد تقریبی ۵۰۰۰ نفر دانشجوی دختر و ۳۰۰۰ نفر دانشجوی پسر در مجموع ۸۰۰۰ نفر دانشجوی مرکز اردبیل در جریان نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ تشکیل داد.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی برای نمونه‌گیری استفاده شد. بدین منظور از بین رشته‌های مختلف تحصیلی، ابتدا به طور تصادفی، کلاس‌های درس انتخاب شد. سپس در داخل کلاس‌ها، دانشجویان به عنوان واحد نمونه‌گیری انتخاب شدند. حجم نمونه آماری بر اساس جدول کرجسی - مورگان محاسبه گردید. بر اساس جدول مذکور با احتساب  $\alpha=0/05$  از جامعه‌ای به حجم ۷۰۰۰ بایستی نمونه‌ای ۳۶۴ نفری و از جامعه‌ای به حجم ۸۰۰۰ نفر نمونه‌ای ۳۶۷ نفری انتخاب نمود. (کرجسی و همکاران، ۱۹۷۰ م.) در این پژوهش هم برای رعایت کفایت نمونه و هم با توجه به خوشه‌ای بودن روش نمونه‌گیری، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر انتخاب گردید. لازم به توضیح است که به هنگام استفاده از فرمول



$$n = \frac{Z^2 \alpha/2 p \cdot q}{d^2} \quad \text{که در آن } q=0/5 \text{ و } p= \text{(بیشترین مقدار ممکن واریانس)}$$

صفت‌های مورد مطالعه) نیز رقم  $n=400$  به عنوان نمونه آماری محاسبه می‌گردد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز، علاوه بر ۶ سؤال جهت اخذ اطلاعات دموگرافیک جنسیت، رشته تحصیلی، ترم، معدل کل، نوع سکونت و نوع پذیرش از پرسشنامه‌ای به شرح زیر استفاده شد:

مقیاس سنجش تعالی معنوی<sup>۱۹</sup> (STS) پایدمونت (۱۹۹۹ م.): این مقیاس پس از تحلیل عاملی، ۱۹ سؤال آن مناسب بوده و توان شناسایی سه عامل را دارد. عامل وحدت شامل ۴ سؤال با پایایی  $\alpha=0/73$ ، پیوند معنوی شامل ۸ سؤال با پایایی  $\alpha=0/74$  و کامروایی معنوی شامل ۷ سؤال با پایایی  $\alpha=0/75$ .

پایایی کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ برابر  $\alpha=0/84$  گزارش شده است. این مقیاس در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم شده است. نمره‌گذاری مقیاس به صورت کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱ بوده است. حداقل نمره افراد در این مقیاس برابر ۱۹ و حداکثر آن ۹۵ است. سؤالات ۱ تا ۴ مربوط به وحدت، ۵ تا ۱۱ مربوط به کامروایی معنوی و ۱۲ تا ۱۹ مربوط به پیوند معنوی است.

مقیاس مقابله مذهبی<sup>۲۰</sup> (RCS): این مقیاس توسط پارگامنت (۲۰۰۰ م.) ساخته شده و شکل اولیه آن شامل ۱۰۰ گویه بود. فرم کوتاه آن (حسنی و جاری و همکاران، ۱۳۸۴ ش.) که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت فرم ۱۴ سؤالی و مشخص‌کننده سبک مقابله‌ای مثبت و منفی بود. هر یک از مقیاس‌های مثبت و منفی شامل ۷ گویه بوده و به صورت طیف لیکرت چهارگزینه‌ای از اصلاً=صفر تا خیلی زیاد=۳ نمره‌گذاری می‌گردند. گویه‌های ۱ تا ۷ سبک مقابله‌ای مثبت و گویه‌های ۸ تا ۱۴ سبک مقابله‌ای منفی را می‌سنجند. مقابله مذهبی مثبت سبک‌هایی از مواجه‌شدن با رویدادهای منفی زندگی است که در آن، فرد با

بهره‌گیری از ارزیابی‌ها و تفاسیر مثبت مرتبط با یاری پروردگار، به استقبال رویدادها می‌رود به عبارتی فرد معتقد است در موقعیت‌های خطرناک خدا او را تنها نخواهد گذاشت، اما در شکل دیگری از مقابله تحت عنوان مقابله مذهبی منفی، فرد در موقعیت‌های دشوار، با خدا رابطه اجتنابی و نامطمئن دارد و منتظر عذاب الهی است. (حسینی واجاری و همکاران، ۱۳۸۴ ش.)

داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به صورت میدانی جمع‌آوری گردید. بدین ترتیب که پرسشگران آموزش‌دیده در محیط‌های پژوهشی شامل پردیس دانشگاه، و کلاس‌های دانشگاه حاضر شده و پرسشنامه را در اختیار دانشجویان قرار می‌دادند و پس از تکمیل جمع‌آوری نمودند.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

سؤالات و فرضیه‌های پژوهش ابتدا در قالب جداول آماری توصیف شده و با استفاده از روش‌های آماری زیر تحلیل می‌گردند:

سؤالات ۱ و ۲ با استفاده از آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای؛

سؤال ۳ با استفاده از آزمون کای اسکوار؛

سؤال ۴ با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون؛

سؤال ۵ با استفاده از آزمون رگرسیون لجستیک.

### یافته‌ها

#### وضعیت زمینه‌ای پاسخگویان

نتایج حاصل از توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب نوع بومی و غیر بومی‌بودن و نوع پذیرش در دانشگاه (جدول ۱) نشان داد که درصد پاسخگویان

دانشجویان بومی با اختلاف بسیار زیادی بیشتر از دانشجویان غیر بومی بود، همچنین مشخص شد که نسبت پاسخگویان به سؤالات این تحقیق در بین دانشجویان قبول شده در کنکور سراسری نسبت به فراگیر نیز بیشتر بود. این امر نشان می‌دهد که نتایج این تحقیق بیشتر برای دانشجویان بومی که از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه شده‌اند، قابل تعمیم می‌باشد.

طبق داده‌های جدول ۲، مقادیر  $t$  محاسبه شده و  $P < 0/01$  نشان می‌دهند که میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جزء در بین دانشجویان مذکر)، و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است. بنابراین وضعیت تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن هم در بین دانشجویان دختر و هم در بین دانشجویان پسر به طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط است، اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر در حد متوسط است.

بر اساس وضعیت سبک مقابله‌ای مذهبی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت (جدول ۳) مشاهده شد که صرف نظر از جنسیت، از بین کل دانشجویان پاسخگو، حدود ۵٪ دارای سبک مقابله‌ای منفی و ۹۵٪ دارای سبک مقابله‌ای مثبت هستند و این امر نشان می‌دهد که سبک مقابله‌ای مثبت با اختلاف بسیار معنی‌داری نسبت به سبک مقابله‌ای منفی بیشتر در بین دانشجویان بیشتر می‌باشد.

در تفکیک جنسیتی از بین کل دانشجویان مؤنث شرکت‌کننده در این تحقیق مشخص شد که درصد بسیار پایینی از دانشجویان مؤنث پاسخ‌دهنده به سؤالات، دارای سبک مقابله‌ای منفی بودند. این در حالی بود که سبک مقابله‌ای مثبت در بین این دانشجویان با اختلاف بسیار زیاد، در بالاترین سطح قرار داشت. این

وضعیت برای دانشجویان مذکر، علیرغم این که از نظر فراوانی نسبت به دانشجویان مؤنث پاسخ‌دهنده کم‌تر بودند، ولی باز درصد بسیار پایینی از این دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای منفی بودند و سبک مقابله‌ای مثبت در بین این دانشجویان با اختلاف بسیار زیاد، در بالاترین سطح قرار داشت (جدول ۳).

مقدار  $X^2(1) = 4/1$  محاسبه شده با توجه به  $P < 0/05$  در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. به عبارتی جنسیت دانشجویان و نوع سبک مقابله‌ای آنان با همدیگر وابستگی معنی‌دار دارند.

بدون متغیرهای پیش‌بین و قبل از ورود آن‌ها به مدل، در کل ۹۵٪ پیش‌بینی‌ها درست می‌باشد. در بین سبک‌های مقابله‌ای مثبت، تمام پیش‌بینی‌ها درست و در بین سبک‌های مقابله‌ای منفی تمام پیش‌بینی‌ها نادرست بوده است.

پس از ورود متغیرهای پیش‌بین تفاوتی در وضعیت پیش‌بینی رخ نداده است. به بیان دیگر، با متغیرهای پیش‌بین و قبل از ورود آن‌ها به مدل، در کل ۹۵٪ پیش‌بینی‌ها درست می‌باشد. در بین سبک‌های مقابله‌ای مثبت، تمام پیش‌بینی‌ها درست و در بین سبک‌های مقابله‌ای منفی تمام پیش‌بینی‌ها نادرست بوده است. در مجموع می‌توان با اطمینان ۹۹٪ ادعا نمود که متغیرهای هوش معنوی و تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را ندارند.

## بحث

نتایج پژوهش نشان داد که میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جز در بین دانشجویان مذکر)، و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است. بنابراین وضعیت

تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن هم در بین دانشجویان دختر و هم در بین دانشجویان پسر به طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط است، اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر در حد متوسط است. یافته‌های فوق با توجه به مفاهیم تعالی معنوی منطقی به نظر می‌رسند، زیرا که در تعالی معنوی «سودجستن از منابع معنوی» مطرح است در واقع تعالی معنوی تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی است، به عبارت دیگر استعداد فرد برای بیرون ایستادن از زمان و مکان حاضر و دیدن زندگی از یک منظرگاه بزرگ‌تر و عینی‌تر است. (کونیک و همکاران، ۱۹۹۷ م.) تعالی معنوی به انسان کمک می‌کند تا بخش‌های مجزای زندگی را به هم متصل کند و یک کل معنادار بسازد. (سیدموسوی و همکاران، ۱۳۸۷ ش.) روانشناسی سلامت در سال‌های اخیر اهمیت زیادی برای نقش راهبردهای مقابله و سبک زندگی افراد در چگونگی سلامت روانی آن‌ها قائل شده است. شیوه‌های مقابله، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که توسط افراد در معرض استرس به منظور کنترل نیازهای خاص، درونی و بیرونی که فشارآور بوده و فراتر از منابع فردی هستند بکار گرفته می‌شوند. (هینز<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۶ م.) مقابله مذهبی روشی است که انسان‌ها از عقاید و شعایر مذهبی جهت رویارویی با مشکلات و فشارهای زندگی بهره می‌گیرند (کونیک و همکاران، ۱۹۹۷ م، ص ۳۶۶). در همین راستا مقابله مذهبی<sup>۲۲</sup> به عنوان روشی تعریف شده است که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل بر خداوند برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کند. یافته‌های اخیر نشان داده‌اند از آنجا که این نوع مقابله‌ها هم به عنوان منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند و می‌توانند بکارگیری مقابله‌های بعدی را تسهیل نمایند، از این رو، بکارگیری آن‌ها برای بیشتر افراد مفید واقع می‌شود. (کارور<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۲ م.) به طور کلی مقابله مذهبی متکی بر باورها و

فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک و یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و روحانی و نظایر آن همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی آسیب کم‌تری را متحمل شوند.

از بین دانشجویان معادل ۵٪ دارای سبک مقابله‌ای منفی و معادل ۹۵٪ دارای سبک مقابله‌ای مثبت هستند این نتایج نیز به نوعی یافته‌های بالا را تأیید می‌نمایند، اما متغیرهای تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را ندارند. البته این می‌تواند ناشی از این باشد که اغلب دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای مثبت بوده‌اند و پیش‌بینی در جامعه همگن، اغلب معنی‌دار نمی‌باشد. در این پژوهش از تحلیل مسیر برای تحلیل فرضیه‌ها استفاده گردید که لازمه استفاده از این روش آماری، نسبی بودن متغیر وابسته است، اما ویژگی‌های علوم انسانی در کل و متغیرهای موجود در این پژوهش به طور خاص نسبی نبوده و به طور مجازی نسبی در نظر گرفته شد که احتمالاً یافته‌های تحقیق را تحت‌الشعاع قرار دهد. با توجه به این‌که ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه‌های مورد استفاده کاملاً برای دانشجویان سیستم آموزش از دور بررسی نشده بود و در این پژوهش هم صرفاً به بررسی پایایی اکتفا شد احتمال خطای ابزار وجود دارد، خطای احتمالی بعدی که جزء خطاهای ذاتی پرسشنامه است، در این تحقیق نیز به قوت خود باقی است، یعنی این‌که احتمال دارد پاسخگویان به طور واکنشی به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده باشند. در این پژوهش، کل جامعه آماری در دسترس نبوده است و نمونه انتخابی دانشجویانی بوده‌اند که در پردیس دانشگاهی حضور پیدا

نموده‌اند. این مورد می‌تواند یافته‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، همچنین با توجه به این‌که مطالعات انجام‌یافته در زمینه ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش اغلب به صورت دو متغیره بوده و چندمتغیری نبوده است. لذا امکان بحث بیشتر مقدور نمی‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت به دست آوردن نتایج جامع و کامل، از کل دانشجویان موجود در دانشگاه اعم از دانشجویانی که در دانشگاه حضور داشتند یا نداشتند، مطالعه مورد نظر به عمل آید. به منظور افزایش امکان بحث و تکمیل مناسب تحقیق انجام‌شده، مطالعاتی در زمینه ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه به صورت چندمتغیری صورت گیرد، همچنین این تحقیق در بین دانشجویان سایر دانشگاه‌های استان نیز انجام گیرد.

### نتیجه‌گیری

در حالت کلی در این تحقیق، مشخص شد که درصد پاسخگویان دانشجویان بومی با اختلاف بسیار زیادی بیشتر از دانشجویان غیر بومی بود. همچنین مشخص شد که نسبت پاسخگویان به سؤالات این تحقیق در بین دانشجویان قبول‌شده در کنکور سراسری نسبت به فراگیر نیز بیشتر بود. این امر نشان می‌دهد که نتایج این تحقیق بیشتر برای دانشجویان بومی که از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه شده‌اند، قابل تعمیم می‌باشد. بنابراین وضعیت تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن هم در بین دانشجویان دختر و هم در بین دانشجویان پسر به طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط است، اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر در حد متوسط است. سبک مقابله‌ای مثبت با اختلاف بسیار معنی‌داری نسبت به سبک مقابله‌ای منفی بیشتر در بین دانشجویان بیشتر می‌باشد. سبک مقابله‌ای مثبت در بین این دانشجویان با اختلاف بسیار زیاد، در بالاترین سطح قرار داشت همچنین درصد بسیار پایینی از این دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای منفی بودند و سبک مقابله‌ای مثبت در بین این دانشجویان با اختلاف بسیار زیاد، در بالاترین سطح قرار داشت. در بین سبک‌های مقابله‌ای مثبت، تمام پیش‌بینی‌ها درست و در بین سبک‌های مقابله‌ای منفی تمام پیش‌بینی‌ها نادرست بوده است. میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جز در بین دانشجویان مذکر) و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است، اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر (با میانگین:  $23/4$  و انحراف معیار:  $3/4$ ) در حد متوسط است. در مجموع می‌توان با اطمینان  $99\%$  ادعا نمود که متغیرهای هوش معنوی و تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را ندارند.



جدول ۱: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب نوع بومی و غیر بومی بودن

و نوع پذیرش در دانشگاه

| متغیر     | فراوانی      | درصد | درصد تصحیح شده |
|-----------|--------------|------|----------------|
| نوع سکونت | بومی         | ۳۴۵  | ۸۶/۳           |
|           | غیر بومی     | ۲۸   | ۷/۵            |
|           | کل           | ۳۷۳  | ۹۳/۰           |
|           | بدون پاسخ    | ۲۷   | ۶/۷            |
| نوع پذیرش | فراگیر       | ۱۶   | ۴/۰            |
|           | کنکور سراسری | ۳۶۱  | ۹۰/۳           |
|           | کل           | ۳۷۷  | ۹۴/۳           |
|           | بدون پاسخ    | ۲۳   | ۵/۸            |
| کل        |              | ۴۰۰  | ۱۰۰            |

جدول ۲: میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن به تفکیک جنسیت

| جنس            | تعداد | میانگین | انحراف معیار | معیار مقایسه * | t   | درجه آزادی | سطح معنی داری | اختلاف میانگین |
|----------------|-------|---------|--------------|----------------|-----|------------|---------------|----------------|
| وحدت           |       |         |              |                |     |            |               |                |
| مؤنث           | ۱۷/۲  | ۲/۳     | ۱۲           | ۳۹/۸           | ۲۹۶ | ۰/۰۰۰      | ۵/۲           |                |
| مذکر           | ۱۵/۵  | ۲/۸     | ۱۲           | ۱۲/۷           | ۱۰۲ | ۰/۰۰۰      | ۳/۵           |                |
| پیوند معنوی    |       |         |              |                |     |            |               |                |
| مؤنث           | ۲۶/۶  | ۴/۳     | ۲۴           | ۱۰/۶           | ۲۹۶ | ۰/۰۰۰      | ۲/۶           |                |
| مذکر           | ۲۳/۴  | ۳/۴     | ۲۴           | -۱/۸           | ۱۰۲ | ۰/۰۷۹      | -۱/۶          |                |
| کامروایی معنوی |       |         |              |                |     |            |               |                |
| مؤنث           | ۳۲/۷  | ۴/۱     | ۲۱           | ۴۹/۰           | ۲۹۶ | ۰/۰۰۰      | ۱۱/۷          |                |
| مذکر           | ۲۹/۷  | ۴/۲     | ۲۱           | ۲۱/۲           | ۱۰۲ | ۰/۰۰۰      | ۸/۷           |                |
| تعالی معنوی    |       |         |              |                |     |            |               |                |
| مؤنث           | ۷۶/۵  | ۸/۴     | ۵۷           | ۴۰/۲           | ۲۹۶ | ۰/۰۰۰      | ۱۹/۵          |                |
| مذکر           | ۶۸/۶  | ۶/۹     | ۵۷           | ۱۷/۲           | ۱۰۲ | ۰/۰۰۰      | ۱۱/۶          |                |

عدد ۲ در نمره‌گذاری هر سؤال حد وسط است.

\* ۲ (ضربدر) تعداد سؤالات آن مؤلفه = معیار مقایسه

جدول ۳: وضعیت سبک مقابله‌ای مذهبی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت

| کل   | نوع سبک مقابله‌ای |      | جنسیت         |      |
|------|-------------------|------|---------------|------|
|      | مثبت              | منفی |               |      |
| ۲۹۷  | ۲۸۶               | ۱۱   | فراوانی       | مؤنث |
| ۱۰۰  | ۹۶/۳              | ۳/۷  | درصد از جنسیت |      |
| ۷۴/۳ | ۷۵/۳              | ۵۵/۰ | درصد از سبک   |      |
| ۱۰۳  | ۹۴                | ۹    | فراوانی       | مذکر |
| ۱۰۰  | ۹۱/۳              | ۸/۷  | درصد از جنسیت |      |
| ۲۵/۸ | ۲۴/۷              | ۴۵/۰ | درصد از سبک   |      |
| ۴۰۰  | ۳۸۰               | ۲۰   | فراوانی       | کل   |
| ۱۰۰  | ۹۵/۰              | ۵/۰  | درصد از جنسیت |      |
| ۱۰۰  | ۱۰۰               | ۱۰۰  | درصد از سبک   |      |

$$P < 0.05 \text{ و } df = 1, \chi^2 = 4.1$$

پی‌نوشت‌ها

1. Spirituality
2. Cavanagh
3. Hynes
4. Religious coping
5. Carver
6. Spiritual transcendence
7. Lazarus & Folkman
8. Atkinson
9. Nagas
10. Esmith
11. Spilka
12. Wigglesworth
13. Davidson
14. Amram
15. Dryer
16. Hamer
17. Kim
18. Seidlitz
19. Spiritual transcendence scale
20. Religious coping scale
21. Hynes
22. Religious coping
23. Carver

ولی‌الله خوش‌طینت

فهرست منابع

منابع فارسی:

- حسنی واجاری، ک. بهرامی احسان، ه (۱۳۸۴ ش). نقش مقابله مذهبی در خوشبختی معنوی در تبیین سلامت روان. *مجله روانشناسی*. ۳: ۶۰-۲۴۸.
- سیدموسوی، پ. وفایی، م. رسول‌زاده طباطبایی، ک. نادعلی، ح. (۱۳۸۷ ش). رابطه راهبردهای مقابله مذهبی با تعالی پس‌ضربه‌ای و درماندگی در دانشجویان. *روانشناسی معاصر*. ۱: ۱۰۱-۹۲.

شعاع کاظمی، م. (۱۳۸۸ ش.). رابطه مقابله‌های مذهبی و سلامت روان در بیماران مبتلا به تصلب چندگانه بافت (MS). *فصلنامه روانشناسی کاربردی*. ۱: ۶۶-۵۷.

صمدی، پ. (۱۳۸۵ ش.). هوش معنوی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. ۲ (۳): ۹۹-۱۱۴.

محمدی، ش. (۱۳۸۶ ش.). مقایسه مکانیسم‌های مقابله‌ای، فرسودگی شغلی و سلامت روان در بین دبیران ایران و هند. *فصلنامه نوآوری آموزشی*. ۱۶: ۹۶-۶۰.

نوبخت فرد، س. (۱۳۸۸ ش.). بررسی تاثیر مقابله درمانگری بر افسردگی، افکار خودکار و بهزیستی روانی دانشجویان دختر خوابگاه‌های دانشگاه ارومیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه ارومیه.

#### منابع انگلیسی:

- Amram, Y. Dryer, C. (2007). *The Development and Preliminary Validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)*. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper.
- Carver, J. (2002). Coping stress and social resources among with unipolar depression. *Journal of Personality and Social Psychology*. 4: 51-5.
- Cavanagh, G. (1999). Spirituality for managers: context & critique. *Journal of Organizational Change Management*. 12 (3): 186-99.
- Emmons, RA. (2000). Is Spirituality intelligence? Motivation, Cognition, and the psychology of ultimate Concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*. 10 (1): 3-26.
- Hamer, DD. (2004). *The God Gene*. New York: Anchor Books.
- Hynes, MH. (1996). *Health, an Islamic perspective*. Online religion in japan. Osaka University. Japan, College of Economics Kanto University.
- Kim, Y. Seidlitz, L. (2002). *Spirituality moderates, the effect of stress on emotional and physical adjustment*. Department of Psychiatry, University of Rochestre Medical Center.
- Koenig, HG. Weiner, DK. Peterson, BL. Meador, KG. Keefe, FG. (1997).

- Religious Coping in thenursing home: a biopsychosocial model. *International Journal of Psychiatry in Medicine*. 27 (4): 365-74.
- Krejcie, RV. Morgan, DW. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational psychological Measurement*. 30: 607-10.
- Lazarus, RS. Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal and coping*. New York: Springer.
- Nagas, Y. Uchiyama, M. Kaneita, Y. Li. L. Tatsuhiko, K. Takahashi. S. Konno. M. Mishima, K. Nishikawa, T. Ohida, T. (2009). Coping strategies and their correlates with depression in the japaneses general population. *Psychiatry Research*. 168: 57-66.
- Pargament, KI. Koenig, HG. Perez, LM. (2000). The many methods of religious coping: development and initial validation of the RCOPE. *Journal of Clinical Psychology*. 56: 519-43.
- Piedmont, RL. (1999). Dose spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the five-factor model. *Journal of personality*. 67: 985-1013.
- Smith, BT. mccullugh, EM. Pool, J. (2003). Religiousess and depression evidence for amain effect and the moderating influence of streesful life events. *Psychorull*. 129 (4): 614-36.
- Spilka, B. Hood, RW. Hunsberger, B. Gorsuch, R. (2003). *The psychology of Religion*. New York: The Guilford press.
- Wigglesworth, C. (2004). *Spiritual Intelligence & Why it Matters*. Conscious Pursuits, Inc. (CPI).

یادداشت شناسه مؤلف

ولی‌اله خوش‌طینت: استادیار گروه الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور، ایران.

پست الکترونیک: vkhoshtinat@gmail.com

## Survey of Religious Coping Style in PNU Students with an Emphasis on Spiritual Elevation

V. Khoshtinat

### Abstract

Considering that Spiritual Elevation is effort make the wide sense of the ultimate goal of life and death and also religious coping is defined as a method of religious resources such as prayer and benediction, trust in God and recourse on God uses to deal with stress. Therefore, in order to investigate of religious coping style in PNU students with an emphasis on Spiritual Elevation, a study was conducted in Payame Noor University of Ardabil; and 400 person's of students were selected randomly method as statistical sample. This research method is descriptive - correlative. Data were collected the fieldwork using two questionnaires. The questionnaires were included: 1) Scale Spiritual Elevation and 2) religious coping scale whit 14 questions. The results showed that: the mean Spiritual Elevation and its components, including unity, spiritual bond (except in male students), and spiritual prosperity between both female and male students from middle and probable (mean sense) their proportion was significantly higher. But the spiritual bond among male students (Whit mean: 23.4 and Standard Deviation: 3.4) is moderate. Between the studied students, 5 percent have a negative coping style and 95 percent have a positive coping style and but Spiritual Elevation variables cannot be explain the significant of coping styles. Of course, this can be due to that most of students were positive coping styles and predicted homogeneous society, often is not significant. In general, it can be concluded that in between the positive coping styles, all as expected all predictions were correct and in between negative coping styles, all predictions are inaccurate. A total of 99% can be safely claimed that variables spiritual intelligence and moral excellence the significant explanatory can be not the coping styles.

### Keywords

Spiritual Elevation, PNU Students, Religious Coping, Spiritual Bond of Unity